

معناشناسی ایزوتسو در قرآن*

حسین علوی مهر** و طاهره عبداللهی***

چکیده

شناخت زبان هر متن از راه‌های فهم و تفسیر متن می‌باشد که ایزوتسو به عنوان یکی از زبان‌شناسان مشهور به این روش پرداخته است. ایشان با روش زبان‌شناسی و انجام تحلیل‌های نشانه‌شناسی به مطالعات قرآنی پرداخته است، اما تحلیل و بررسی رویکرد معناشناسی وی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نوشتار با روش تحلیلی و با هدف بررسی معناشناسی ایزوتسو، در کنار نقاط قوت این روش و تأثیراتی که در روش‌مندی مطالعات قرآنی دارد، نبود ضابطه و معیار خاص در انتخاب کلمات کلیدی، ریشه‌شناسی کلمات، رسیدن به میدان‌های معنایی و کاربردشناسی را از نقاط ضعف این رویکرد می‌داند.

واژگان کلیدی: قرآن، معناشناسی، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی، ایزوتسو، مستشرقان.

* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۰۲.

** . دانشیار جامعه المصطفیٰ العالمیة: halavimehr5@gmail.com.

*** . دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفیٰ العالمیة: abdolahee@gmail.com.

مقدمه

پیدایش و رشد دانش زبان‌شناسی (آواشناسی، کاربردشناسی، ریشه‌شناسی و معناشناسی) به نوعی در فهم و تفسیر آیات قرآن مؤثر است؛ رویکرد معنایی یا معناشناسانه (meaning) نیز از رویکردهای جدید به مباحث علوم قرآنی می‌باشد. معناشناسی (Semantic) یا علم دلالت لفظ بر معنا از شاخه‌های رشته زبان‌شناسی است و یکی از روش‌های فهم متن می‌باشد که موجب می‌شود در فهم، تفسیر و بررسی یک متن، خود متن را به سخن در آوریم نه اینکه از طرف متن حرف بزنیم. این روش سبب رفع یا کاهش تفسیر به رأی می‌شود و مانع اعمال نظر خواننده یا مفسر در متن می‌گردد. ایزوتسو یکی از دانشمندان علوم قرآنی است که با استفاده از این روش تفسیری به کشفیات درخور توجهی نایل گردید. در این نوشتار رویکرد زبان‌شناسی ایزوتسو در فهم آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم شناسی

زبان‌شناسی

زبان‌شناسی، دانش شناخت و بررسی زبان به طریقه علمی است (مارتینه، مبانی زبان‌شناسی عمومی، ۱۳۸۷: ۶). آنچه در مطالعات زبان‌شناسی اهمیت بیشتری دارد ارائه فرضیات نیست، بلکه سنجش این فرضیه‌ها با پدیده‌های زبانی و توصیف آنهاست. البته علم تنها به توصیف پدیده‌ها و تدوین قوانین حاکم بر آنها بسنده نمی‌کند، بلکه در پی یافتن علل و توضیح عوامل دخیل و مؤثر در تکوین و تغییر پدیده‌ها نیز برمی‌آید و زبان‌شناسی را می‌توان به این اعتبار علم توصیف زبان دانست (ر.ک: پالمر، نگاهی تازه به معناشناسی، ۱۳۸۴: ۴۵؛ صفوی، درآمدی بر معناشناسی، ۱۳۸۷: ۳۵).

معناشناسی

معناشناسی، دانش بررسی و مطالعه معانی در زبان است (پالمر، نگاهی تازه به معناشناسی، ۱۳۸۴: ۱۳) برخی معناشناسی را بر مطالعه علمی اطلاق کرده‌اند (همان، ۲۷). به طور کلی، بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می‌گویند؛ علمی که با نمود معنا در وسیع‌ترین معانی کلمه سروکار دارد و برپایه تصویری جدید از وجود و هستی بنا شده است (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۳). معادل انگلیسی و فرانسوی «Semantic» برگرفته از لغت یونانی «semantika»

علم مطالعه معناست. این علم معمولاً بر روی رابطه بین دلالت‌کننده‌ها مانند لغات، عبارات‌ها، علائم و نشانه‌ها و اینکه معانی‌شان برای چه استفاده می‌شود، تمرکز دارد. در زبان‌شناسی، معناشناسی زیرشاخه‌ای است که برای مطالعه و بررسی معنا - همانی که در سطوح واژگان، عبارات، جملات و واحدهای بزرگ‌تر تجزیه و تحلیل (متون) اصلی اساسی می‌باشد - اشاره دارد. ایزوتسو در تعریف معناشناسی می‌گوید: معناشناسی بدان صورت که من آن را می‌فهمم، تحقیق و مطالعه‌ای تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است به منظور آنکه سرانجام جهان‌بینی قومی شناخته شود که آن زبان را نه تنها وسیله سخن گفتن و اندیشیدن، بلکه مهم‌تر از آن، وسیله‌ای برای تصور و تفسیر جهانی که آن قوم را احاطه کرده، به کار می‌برد. بنابراین، معناشناسی علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت در دوره خاص از تاریخ است که در کلمات کلیدی زبان آن ملت تبلور پیدا کرده است (همان، ۴).

نشانه‌شناسی

شکل‌گیری مباحث نشانه‌شناسی به قرن بیستم باز می‌گردد. انگلیسی زبان‌ها برای آن واژه «semiotics» و عرب‌ها تعبیر «علم العلامات» را به کار می‌برند. فردیناد دوسوسور و چارلز ساندرس پرس به طور مستقل این بحث را گسترش دادند و بدین ترتیب، مبدأ پیدایش علم نشانه‌شناسی در قرن بیستم شدند. نوشته‌های سوسور به عنوان پدر زبان‌شناسی در مهم‌ترین کتابش (درس‌های همگانی زبان‌شناسی) محور و اساس کار ایزوتسو قرار گرفت. سوسور در مقدمه کتابش می‌گوید: دانش نشانه‌شناسی یعنی دانشی که از حیات اجتماعی نشانه‌های زبانی بحث می‌کند، ولی در زمان ما وجود ندارد و حق دارد که وجود داشته باشد (ر.ک: قائمی‌نیا، دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، ۱۳۸۶: ۴۵).

۲. شناخت‌نامه ایزوتسو

۱-۲. زیست‌نامه

توشیهیکو ایزوتسو، زبان‌شناس، فیلسوف، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه معروف ژاپنی در سال ۱۹۱۴م. در توکیو متولد شد. از نکات جالب زندگی وی ترجمه قرآن از زبان عربی به ژاپنی برای نخستین بار است. بنا به گفته خودش از برکت همین ترجمه، موفق به نگارش دو کتاب دیگر درباره قرآن شد. ایزوتسو به خوبی عرفان ژاپنی، چینی و اسلامی را می‌دانست. ایشان حتی کتابی تألیف کرد که در آن عرفان ابن عربی را با حکیم و عارف بزرگ چینی، لائوتسه تطبیق داد. این کتاب به

زبان فارسی هم ترجمه شده است. ایشان که به بیشتر زبان‌های زنده دنیا از جمله انگلیسی، عربی، فارسی، فرانسه، آلمانی، لاتین، ایتالیایی، اسپانیایی، روسی، عبری، چینی، سانسکریت و ترکی تسلط داشت، در مجامع بین‌المللی از قبیل فرهنگستان زبان و ادبیات عرب قاهره، مؤسسه بین‌المللی فلسفه پاریس، انجمن بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی، لون - بلژیک، انجمن کانادایی مطالعات تاریخ و فلسفه علوم، مونترال مؤسسه مطالعات اسلامی و انجمن حکمت و فلسفه ایران عضویت داشت (ایزوتسو، مقدمه مترجم، ۱۳۶۱؛ ر.ک: زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی ایزوتسو، ۱۳۸۵؛ محقق، ایزوتسو هم رفت، ۱۳۷۱: ش ۱).

۲-۲. شیوه مطالعاتی ایزوتسو

تنوع حوزه‌های مطالعاتی ایزوتسو، انگیزه توجه به سبک مطالعاتش را بیشتر می‌کند. شاید بتوان گفت چگونگی استخراج نظام معنایی قرآن موضوعی است که بیشتر از همه توجه محققان را معطوف به خود ساخته است. برخی در این زمینه می‌گویند: ایزوتسو برخلاف اسلام‌شناسان غربی که با تاریخ، دوره‌های اولیه و سیر تفکر علوم اسلامی را آغاز می‌کنند، راه خودش را پیدا کرده و کار خود را با یاد گرفتن زبان‌های مختلف شروع می‌کند. ایزوتسو به تفکر علاقه داشت. در حقیقت کسی بود که به تحلیل‌های ذهنی خودش متکی بود و زیاد اهل آن نبود که بداند مأخذش کجاست و آن را پیدا کند؛ چراکه خودش متفکر، خلاق و آفریننده بود (محقق، ایزوتسو هم رفت، ۱۳۷۹: ش ۲۶).

ایزوتسو روش خود را بر پایه قرآن گذاشته بود. این روش یکی از روش‌های متداول در تفسیر قرآن است که بر مبنای قاعده تفسیر قرآن به قرآن انجام می‌پذیرد و کمتر کسی توفیق انجام چنین روشی را می‌یابد؛ زیرا احاطه و تسلط بر آیات را می‌طلبد. از مشهورترین آثاری که با این روش عرضه شده باید از المیزان فی تفسیر القرآن از علامه طباطبایی نام برد^[۱].

کلیت فلسفی قرآن پژوهی ایزوتسو بر پدیدارشناسی (Phenomenology) است. وی با توجه به این دیدگاه، ترکیبی از مسائل و موضوعات دانش فقه اللغة را نیز مبنای قرآن پژوهی خود قرار داد. هسته اصلی پژوهش ایزوتسو در تحقیقات قرآن پژوهی بیرون کشیدن نظام جهان‌بینی قرآن از دل آیات باهرات وحی است. از دیدگاه او همه چیز در قرآن به یک تأویل اخلاقی یا الهی می‌انجامد؛ آنجا که از امت‌های گذشته و به شکل داستان سخن می‌گوید تا زمانی که به مسلمان اختیار می‌دهد که یک حکم یا فرضیه دینی را اجرا کند. در واقع همه اینها قابل تأویل به یک نتیجه اخلاقی است (ربیعی، معرفی چند اثر برجسته مستشرقان، ۱۳۸۳: ش ۳۷ و ۳۸).

بنابراین شیوه مطالعاتی ایزوتسو را با توجه به زمینه‌های متنوع تحقیقاتش می‌توان در چند محور ترسیم نمود:

۱. استفاده از روش قرآن به قرآن؛
۲. اتکا به تحلیل‌های ذهنی؛
۳. بیرون کشیدن نظام جهان بینی؛
۴. رسیدن به تأویل اخلاقی یا الهی.

۳-۲. خدمات علمی و فرهنگی

۱-۳-۲. قلمرو تحقیقات

تحقیقات ایزوتسو غیر از آنچه به زبان ژاپنی نوشته شده است، به قرار ذیل است:

(الف) در حوزه اسلام‌شناسی و عرفان:

- ۱- «خدا و انسان در قرآن» ترجمه احمد آرام؛
- ۲- مفهوم ایمان در کلام اسلامی؛
- ۳- ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن؛
- ۴- مقایسه مفاهیم فلسفی تصوف و تائوئیسم؛
- ۵- مفهوم و حقیقت وجود.

(ب) در حوزه فلسفه اسلامی ایرانی:

- ۱- کتابی درباره فلسفه؛
- این کتاب بر فلسفه نوافلاطونی و عرفان یونانی تأکید کرد.
- ۲- مجموعه مقالات درباره فلسفه ذن^[۲]؛
- ۲- بنیاد حکمت سبزواری؛

این کتاب که نخستین جلد از مجموعه سلسله دانش ایرانی است، توسط دکتر سید جلال الدین

مجتبوی ترجمه شد.

۶۵

۳- تصحیح کتاب قبسات میرداماد

این کتاب با همکاری دکتر مهدی محقق، دکتر موسوی بهبهانی و دکتر دیباجی به سامان

رسیده است.

۴- منشأ فلسفه اسلامی (سلسله سخنرانی‌های ایزوتسو در ژاپن درباره عرفان).

۵- ترجمه کتاب مشاعر ملاصدرا (در دست چاپ و ترجمه)؛

۶- ترجمه کتاب فیه ما فیه مولوی (در دست چاپ و ترجمه)؛

۷- ماهیت و کلی طبیعی در فلسفه اسلامی ایران؛

۸- ماهیت لابشرط در فلسفه اسلامی ایران؛

۹- اساس اندیشه‌های مابعدالطبیعی در فلسفه اسلامی ایران؛

۱۰- رساله خلق مُدام؛

۱۱- تصحیح شرح منظومه حکمت به انضمام فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فلسفی، با

همکاری دکتر مهدی محقق (ر.ک: ایزوتسو، ۱۳۶۱، مقدمه مترجم).

۲-۳-۲. معرفی آثار برجسته

در میان آثار ایزوتسو به دو اثر برجسته وی اشاره می‌شود:

۱. کتاب خدا و انسان در قرآن

این کتاب که جزء مهم‌ترین آثار ایزوتسو می‌باشد، در نه فصل نگاشته شده است. چهار فصل اول آن به بیان ساختار اساسی آموزه‌های قرآن پرداخته و با استفاده از معناشناسی، مفاهیم اصلی قرآن را به منظور شناخت جهان‌بینی قومی مسلمانان بررسی کرده است. ایزوتسو معتقد است جهان‌بینی قرآن در معانی کلمات کلیدی آن نهفته است؛ از این رو، برای درک این جهان‌بینی به مطالعه معناشناختی بررسی این واژگان و سیر تحول معنایی آنها از دوران پیش از اسلام تا زمان نزول قرآن پرداخته است.

۲. کتاب مفاهیم دینی و اخلاقی در قرآن

این کتاب دارای سه بخش است:

بخش اول: مربوط به اصول تجزیه و تحلیل معنا؛

بخش دوم: از اخلاقیات قبیله‌ای تا اخلاقیات اسلامی؛

بخش سوم: تجزیه و تحلیل مفاهیم عمده.

در این کتاب ایزوتسو از روش معناشناسی استفاده کرده و از طریق قرار گرفتن الفاظ در کنار

سایر الفاظ به بررسی معانی آنها پرداخته است.

تفاوت این دو کتاب در این است که کتاب نخست مبانی نشانه‌شناختی، زبان‌شناختی، روش‌شناختی و کلیات بحث را فراهم می‌آورد و اثر دوم همان مبانی و روش را در مورد مفاهیم اخلاقی - دینی به کار می‌گیرد؛ از این‌رو می‌توان اثر دوم را بررسی موردی اثر نخست دانست (قائم‌نیا، بیولوژی نص، ۱۳۸۹: ۵۳۴).

۳. رویکرد زبان‌شناسانه ایزوتسو

ایزوتسو معناشناسی را مطالعه تحقیقی درباره کلمات کلیدی زبان می‌داند که به شناسایی و شناخت جهان‌بینی قومی منجر می‌شود. در این نگاه از معناشناسی زبان صرفاً ابزاری برای سخن گفتن نیست، بلکه وسیله‌ای برای به تصویر کشیدن و تفسیر جهانی است که یک قوم را در برگرفته است. بر همین اساس ایزوتسو معناشناسی را چنین تعریف می‌کند: علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت در فلان دوره خاص از تاریخ آن خواهد بود که به وسیله تحلیل روش‌شناختی مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده و در کلمات کلیدی زبان آن ملت حالت تبلور پیدا کرده بوده است، صورت می‌گیرد. ایزوتسو تصریح دارد هدف ما آن است که با تحقیق تحلیلی و روش‌شناختی در مفاهیم عمده، یعنی آن مفاهیم و تصورات که نقشی قطعی در تشکیل نگرش قرآنی نسبت به جهان دارند، این شکل از وجودشناسی زنده بالنده را استخراج کنیم (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۴). ایزوتسو معتقد است قرآن در معناشناسی واژه‌ها دست برده و از این راه جهان‌بینی عرب جاهلی را دگرگون ساخته است. واژه‌های کلیدی قرآن واژه‌های جدیدی نبودند که تازه وضع شده باشند؛ تقریباً همه آن‌ها به صورتی دیگر در ادبیات پیش از اسلام رواج داشتند، ولی اسلام آن‌ها را در شبکه تصویری تازه‌ای که تا آن زمان ناشناخته بود، جای داد. نتیجه همین جابه‌جا کردن تصورات و تغییر وضع اساسی و نظم تازه بخشیدن به ارزش‌های اخلاقی و دینی، انقلابی ریشه‌دار در طرز نگرش و دریافت عرب نسبت به جهان و وجود بشری پدید آورد (قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۱۳۸۹: ۵۳۷). از نظر ایزوتسو، ارتباط تمامی واژه‌ها در قرآن یکسان نیست. واژگانی که در معنای اساسی‌شان ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، به صورت یک شبکه معنایی به هم پیوسته در می‌آیند. از این نظر این واژگان مجموعه‌ای اتفاقی و تصادفی را تشکیل نمی‌دهند که بدون نظم کنار هم قرار گرفته باشند، بلکه یک میدان معناشناختی را تشکیل می‌دهند (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۲۴-۲۵).

بنابراین از تعریف ایزوتسو چنین برداشت می‌شود که:

۱. زبان وسیله تفسیر جهان‌اقوام است و کارکردی متفاوت‌تر و بالاتر از سخن گفتن دارد.

۲. هدف معناشناسی رسیدن به جهان‌بینی یک ملت در دوره خاص است که به وسیله تحلیل روش‌شناختی مفاهیم و تصورات فرهنگی هر ملتی صورت می‌گیرد.

۴. اصول حاکم معناشناسی ایزوتسو

ایزوتسو برای تشکیل میدان در زبان‌های عربی به تقسیم‌بندی واژگان به دو گونه کلمات نسبی و اساسی اشاره دارد و محوریت میدان معناشناختی، با کلمات اساسی است. وی برای یافتن میدان

معناشناختی، اصولی را بیان داشته است که در زیر به آنها اشاره می‌شود: (ر.ک: ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۲۶-۱۴؛ همو، مفاهیم اخلاقی، ۱۳۸۸: ۱۸ و ۷۲).

- ۱- واژه‌ها در یک زبان، یک دستگاه و شبکه به هم گره‌خورده را شکل می‌دهند؛
- ۲- الگوی اصلی این دستگاه با بخشی از واژه‌ها با اهمیت خاص ساخته می‌شوند؛
- ۳- واژه‌هایی که نقشی قطعی در ساختن جهان بینی تصویری قرآن دارند، اصطلاحات کلیدی قرآن نامیده می‌شود؛

۴- دشوارترین کار معناشناسی قرآنی، استخراج اصطلاحات کلیدی قرآن از میان واژگان قرآنی است؛

۵ - براساس واژگان کلیدی می‌توان میدان معناشناختی ترسیم کرد که هر میدان معناشناختی نیز نماینده یک حوزه تصویری مستقلی است که از نظر طبیعت و ماهیت، به واژگان شباهت دارد؛

- ۶- هر واژه می‌تواند در چندین میدان معناشناختی حضور داشته باشد؛
- ۷- دو دستگاه و نظام تصویری پیش از اسلامی و قرآنی وجود دارد. یک واژه واحد، بسته به تعلق آن به یکی از این دستگاه، ارزش معناشناختی متفاوت پیدا می‌کند؛

- ۸- دلیل مراجعه به دستگاه پیش از اسلامی، تقدم واژگان شعر جاهلی است؛
- ۹- ترسیم واژگان اساسی و نسبی؛
- ۱۰- استخراج نظام جهان بینی قرآنی از دل آیات؛
- ۱۱- طرد و ردّ تحقیق از راه مفاهیم ترجمه‌ای؛

۱۲- پیدایش زمینه جهت مقایسه و مرتبط ساختن اصطلاحات مشابه، متضاد و معادل.

هسته اصلی پژوهش پدیدارشناسانه ایزوتسو در این حوزه بیرون کشیدن نظام جهان بینی قرآن از دل آیات الهی است. از دیدگاه او همه چیز در قرآن به یک تأویل اخلاقی یا الهی می‌انجامد. به نظر او سراسر قرآن چه آنجا که از امت‌های گذشته و به شکل داستان سخن می‌گوید تا زمانی که به مسلمان اختیار می‌دهد که یک حکم یا فریضه دینی را اجرا کند، در واقع همه اینها قابل تأویل به یک نتیجه اخلاقی است. از سوی دیگر از نظر ایزوتسو جهان قرآن، همچون دایره‌ای است با دو نقطه قابل استناد به مبدأ، یکی در بالا یعنی خدای هستی و دیگری در پایین یعنی انسان. به همین سبب کلمه جلاله «الله» در قرآن کریم از پربسامدترین واژگان کلیدی می‌باشد که رأس هرم جهان بینی قرآن را تشکیل می‌دهد (ربیعی آستانه، معرفی چند اثر برجسته مستشرقان، ۱۳۸۳: ش ۳۸-۳۷).

بی شک ایزوتسو در پی نوعی تفسیر و تبیین معنای واژگان و مفاهیم قرآن است. او می‌خواهد به قول خودش کاری کند که قرآن مجید خود به زبان خود سخن بگوید و ترجمان احوال و مفاهیم خود باشد (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی، ۱۳۸۸: ۱۴). برای این کار او روش تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه را بر مفاهیم قرآن اعمال می‌کند. روش قرآنی تفسیر و تأویل او با آنچه تفاسیر گذشته بر آن مبتنی است، تفاوت دارد.

ایزوتسو تحقیق از راه مفاهیم ترجمه‌ای را به شدت رد می‌کند و آن را برای محقق خطری بزرگ می‌داند. به اعتقاد او چنین کاری به احتمال بسیار زیاد به نظریه‌های اشتباه‌آمیز درباره مفاهیم قرآنی منجر می‌شود. معتقد است ترجمه رسا و درست یک واژه یا عبارت به واژه دیگر در زبان معادلش، کاری بسیار دشوار و حتی غیر ممکن است؛ چه بسیاری از واژه‌ها دارای بار معنایی خاص خود هستند که بر فرهنگ و تاریخ و همه محتویات متعلق به قومی مبتنی است که آن زبان و واژه را استعمال می‌کنند و انتقال این بار معنایی به واژه‌ای مثلاً معادل آن در فرهنگ و زبان دیگر غیر ممکن است. به باور او همه اصطلاحات عمده و اصلی قرآن چنین ویژگی‌ای دارند و از این واقعیت پیروی می‌کنند (همان، ۱۸). وی بهترین راه برای ساختن معنای یک واژه مبهم را فراهم آوردن مقایسه و مرتبط ساختن همه اصطلاحات مشابه، متضاد و معادل می‌داند؛ بنابراین فقط این واقعیت که یک اصطلاح اخلاقی به تکرار در عبارتی به کار رفته باشد، خود به خود از نظر معناشناسی اهمیتی ندارد (همان، ۷۲).

۵. بررسی و نقد روش ایزوتسو

ایزوتسو از کسانی است که در زمینه معناشناسی نظریه‌های جدیدی ارائه کرده است. نگاه وی در زمینه فهم و تفسیر متن، به ویژه فهم قرآن، مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، برخی از صاحب‌نظران در خصوص روش ایزوتسو نقدهایی مطرح نموده‌اند که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم.

الف) نبود ضابطه و معیار

۶۹ عدم وجود معیار در روش کار ایزوتسو، مسئله‌ای است که در زمینه‌های مختلف ملاحظه می‌شود؛ برای نمونه:

۱- در زمینه اشتقاق و ریشه‌شناسی کلمات

ایزوتسو در رسیدن به جهان‌بینی معناشناختی از ریشه‌شناسی کلمات بهره برده است؛ همان‌گونه که خود بیان داشته، ریشه‌شناسی در بسیاری از موارد بر پایه حدس و گمان بنا می‌شود (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۲۱). این شیوه تنها می‌تواند برگه‌ای از لحاظ معنای

(اساسی) کلمه در اختیار ما قرار دهد که سبب می‌شود) با رازی ناگشودنی مواجهه شویم؛ به بیان دیگر، ریشه‌شناسی هرچند زمینه رسیدن به معنای کلمات را فراهم می‌سازد، اما تجزیه و تحلیل عناصر اساسی و نسبی یک کلمه کلیدی اگر به طور کامل صورت بگیرد، می‌تواند فرهنگ را جلوگیر سازد، همان چیزی که خواسته و نهایت کار ایزوتسو می‌باشد، حال آنکه به استناد گفته وی، ریشه‌شناسی تنها می‌تواند معنای اساسی کلمه را در اختیار قرار دهد.

۲- انتخاب کلمات کلیدی

انتخاب کلمات کلیدی در روش کاری ایزوتسو بدون معیار و ضابطه است. به گفته وی در انتخاب این کلمات عمل از روی دلخواه صورت می‌گیرد؛ برای مثال در قرآن بیش از ده بار به کلمه عرش خدا اشاره شده و می‌دانیم که مفهوم عرش در بحث‌های متکلمان متأخر مقامی برجسته داشته و به عنوان یک نماد در تصوف اسلامی از اهمیت برخوردار بوده است، ولی این مطلب که تصور و مفهوم عرش آن اندازه در مرحله قرآنی آن حائز اهمیت باشد که همچون یک اصطلاح کلیدی مورد بحث واقع شود، بدون شک چیزی است که اتفاق کلمه در مورد آن وجود ندارد و معناشناس در ضمن کارهای پژوهشی خود با کلمات دیگر مشابه کلمه عرش روبروست (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۴۵). به نظر می‌رسد همین نبود قاعده سبب ایجاد هرج و مرج علمی شده و تحقیقات معناشناسی را از داشتن زبان مشترک دور ساخته است. چنان که در این پژوهش‌ها به دلیل انتخاب واژه‌های کلیدی توسط محقق و تنوع سلیقه‌ها با واژه‌های مختلفی مواجه می‌شویم که به طور طبیعی نتایج مختلفی هم به دنبال دارد. مطلب دیگر اینکه برخی در بیان روش ایزوتسو تأکید ایشان را بر تحلیل ذهنی خویش مطرح کرده‌اند و شاید این سرنخی باشد برای این سؤال که چرا ملاک مشخصی در رویکرد ایزوتسو دیده نمی‌شود؟

۳- در زمینه رسیدن به ماهیت و جهان‌بینی یک ملت

ایزوتسو معناشناسی را علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت در فلان دوره خاص از تاریخ می‌داند که به وسیله تحلیل روش‌شناختی مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده و در کلمات کلیدی زبان آن ملت تبلور یافته، صورت می‌گیرد (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۴). این بخش از کلام وی به رابطه واژگان و فرهنگ اشاره دارد؛ از این رو لازم است محقق به بررسی فرهنگ یک قوم بپردازد، حال آنکه روشی کاربردی ارائه نشده و برای شناخت تصورات فرهنگی به کلمات کلیدی زبان آن ملت نیاز می‌باشد که - همان طور که اشاره شد - در شناخت کلمات کاربردی، قاعده خاصی مطرح نشده است.

ب) ابهام و ایراد در رابطه فرهنگ و زبان

طبق گفته ایزوتسو کلمات بدون استثناء با رنگی برخاسته از ساخت فرهنگی محیطی که در آن وجود دارند، رنگین شده‌اند (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۲۰). از سویی دیگر، نص قرآن متن زبانی است که محصول فرهنگی بوده و زبان آن مختص نخستین دریافت کننده است و زبان هرگز نمی‌تواند از فرهنگ و واقعیت‌های زمان جدا باشد (حامد ابوزید، معنای متن، ۱۳۸۰: ۲۰۱) این مطلب که برخی معتقدند قرآن عناصر فرهنگ جاهلی عرب را اخذ کرده پیامد همین مطلب است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۹: ۱۵۹). تأثیر ساختار زبان در فرهنگ‌ها از عوامل رشد مکتب و روش اندیشه امثال دیلتای بود که هدف آنان بالا بردن ارزش علوم انسانی و هم طراز کردن آن با علوم تجربی بود. این دیدگاه در اندیشه متفکران مصری مانند امین خولی و نصر حامد ابوزید مطرح می‌شود (علوی مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ۱۳۸۱: ۲۷۱).

رابطه فرهنگ و زبان که ایزوتسو بدان معتقد است چندان مورد پذیرش نیست. برخی مفاهیم ممکن است در کشورهای گوناگون به یک معنا باشد، تردیدی نیست که زبان، جریان روان ایده‌ها، معانی و ارتباطات و فهم دوجانبه را فراهم می‌سازد که در این واقعیت در قرآن کریم به رسمیت شناخته شده و تنوع زبانی انسان‌ها به مثابه بخشی از آیات الهی در نظر گرفته شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳). طبق دیدگاه قرآن، مسئله اصلی، ویژگی زبان، فرهنگ و نژاد نیست، بلکه ارزش مشترک که ورای ویژگی‌های فرهنگی است، همان چیزی است که قرآن به آن تقوا می‌گوید (شریفی، نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم، ۱۳۹۲: سال ۴، ش ۳).

بنابراین هرچند فرهنگ هر منطقه سبب فهم بهتر معنای می‌گردد، قرآن حاصل فرهنگ بومی عرب‌ها نیست و قرآن در بستر فرهنگ بومی عرب شکل نگرفته است، بلکه زبان عربی نقش ابزار داشته و قرآن با نزول خود به زبان عربی غنا بخشید.

ج) ابهام در سطوح معناشناسی

ایزوتسو قائل به سه سطح از معناشناسی در زبان عربی قدیم است: ۱. پیش از قرآن یا جاهلی ۲؛ قرآنی؛ ۳. پس از قرآنی به ویژه عباسی. در سطح اول سه دسته از واژگان با سه جهان بینی مختلف در آن وجود دارد: ۱. واژگان بدوی محض که نشانگر کهن‌ترین جهان بینی صحرائنشینی عرب است. ۲. واژگان بازرگانی که نتیجه گسترش اقتصاد بازرگانی مکه بود. ۳. واژگان یهودی - نصرانی.

این سه دستگاه اجزای سازنده واژگان عربی جاهلی یا پیش از اسلام بوده است. براساس نظر ایزوتسو واژگان قرآن از لحاظ زبان‌شناختی مخلوطی از این سه دسته واژگان متفاوت است که در واژگان قرآنی به طور متجانس انعکاس یافته است؛ به عبارت دیگر واژگان قرآن یک میدان وسیع معناشناختی است که در بردارنده یک مجموعه سازمان‌دار از کلمات است (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۶۱: ۲۰). نکته‌ای که در اینجا به نظر می‌رسد، این است که آیا تأثیر این واژگان در حد شکل دادن سه جهان‌بینی مختلف بوده است؟ و اینکه دلیل ایزوتسو برای بیان این ادعا چیست؟

د) اختصاص معناشناسی ایزوتسو به واژگان

معناشناسی ایزوتسو معناشناسی واژگانی است و صرفاً برای تحلیل معانی واژه‌ها کارآیی دارد، اما تحلیل معانی جملات معناشناسی دیگری می‌طلبد؛ چرا مشکل اساسی جملات قرآنی به این برمی‌گردد که جملات را برچه اصولی معنا کنیم (قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۱۳۸۹: ۵۵۸).

ه) عدم ارائه معنای دقیق از معنا

هرچند روابط جانشین و همنشین در روش معناشناسی ایزوتسو مورد توجه بوده، معنای دقیقی از کلمات ارائه نشده است؛ چراکه به گفته خود ایزوتسو معناشناسی علمی است که با نمود معنا در وسیع‌ترین معانی کلمه سروکار دارد؛ معنایی چندان وسیع که تقریباً هرچیزی می‌تواند عنوان موضوعی از معناشناسی پیدا کند.

و) عدم توجه به جایگاه سیاق

سیاق از اصول مهم در تفسیر قرآن است و از آن به عنوان یکی از قرائن در فهم کلام استفاده می‌شود. از سوی دیگر در زبان‌شناسی اثبات شده است که معنا، سیاق‌مند است، در حالی که نقش سیاق در معناشناسی ایزوتسو برجسته نشده و مورد توجه قرار نگرفته است (شریفی، نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم، ۱۳۹۲: س ۴، ش ۳).

۷۲

ز) عدم توجه به کاربرد شناسی

در مباحث ایزوتسو اثری از کاربردشناسی و مباحث آن دیده نمی‌شد. کاربرد شناسی به عنوان یک دانش و شاخه مستقل از زبان‌شناسی در آثار سوسور پیش‌بینی نشده بود (قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۱۳۸۹: ۵۳۶).

ح) عدم تبیین پویایی معنایی قرآن و جهان بینی اسلامی

دیدگاه ایزوتسو پویایی معنایی قرآن و نیز پویایی جهان بینی اسلامی را تبیین نمی کند (قائم‌نیا، بیولوژی نص، ۱۳۸۹: ۵۵۸). شاید بتوان علت عدم پویایی معنای قرآن در روش ایزوتسو را به عدم بهره‌مندی از روایات در رسیدن به معانی باطنی قرآن دانست، به بیان دیگر گویا معناشناسی در بستر معنای ظاهری آیات باقی می ماند و به لایه‌های زیرین و درونی دسترسی پیدا نمی کند.

ی) عدم بهره‌مندی از روایات

نکته پایانی اینکه ایزوتسو در روش معناشناسی خود از روایات بهره نبرده است. البته شاید به دلیل رویکرد قرآن به قرآن ایشان باشد، اما نکته‌ای که نمی توان از آن غفلت ورزید، نقش روایات در فهم مراد آیات است؛ چه بهره‌گیری از سخنان و سیره معصومان (علیهم‌السلام) به عنوان مهم‌ترین منبع در فرایند فهم آیات، ما را در رسیدن به معنا و مراد آیات به عنوان هدف نهایی، چنان یاری می‌رساند که در صورت عدم به کارگیری این روش، از بخش عظیمی از ظرفیت هدایتگری قرآن باز مانده و حتی در پاره‌ای از موارد ممکن است به خسارت (اسراء/ ۸۲) هم دچار شویم.

امتیازات و ویژگی‌ها

هر چند نقدهایی بر روش معناشناسی ایزوتسو مطرح است اما نباید امتیازات و ویژگی‌های این روش نادیده گرفته شود. برخی از امتیازات و ویژگی‌های معناشناسی ایزوتسو عبارت است از:

- ۱- ارائه نگاه نو در زمینه علوم اسلامی از سوی یک مستشرق که همین امر سبب معرفی مفاهیم قرآن به جوامع غربی گردید؛
- ۲- استنباط و تحلیل مفاهیم اخلاقی همچون ایمان، کفر، عدل، ظلم، تواضع و بیان تفاوت معنایی مفاهیم اخلاقی قرآن با زمان جاهلیت؛
- ۳- استفاده از آیات قرآن برای بررسی بافت درونی اصطلاحات قرآنی؛
- ۴- استفاده از روش تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه برای به دست آوردن ساخت معنایی واژه‌های قرآنی با توجه به تحول فرهنگی؛
- ۵- معرفی سه حوزه از اخلاق که شامل؛ معرفی اوصاف خداوند، ارتباط اخلاقی انسان با خدا و رابطه انسان‌ها با یکدیگر؛ هرچند ایزوتسو حوزه دوم را مرتبط با دینداری می‌داند.

نتیجه

کار اصلی در معناشناسی پی بردن به جهان بینی قرآن از طریق واژگان و ارتباط آنها با یکدیگر، تشکیل میدان‌های معنایی و کشف نسبت بین آنهاست. حال نگاه معناشناسی ایزوتسو به قرآن در عین راه‌گشایی و برخورداری از تأثیرات چشمگیری که از نگاه متخصصان این علوم پوشیده نیست، در چند زمینه تأمل برانگیز است؛ اینکه در روش ایزوتسو سنت نبوی نادیده گرفته شده است، همچنین اتکای زیاد به شعر جاهلی و نگاه گزینشی به واژگان کانونی و کلیدی دیده می‌شود. این امر در تحلیل او از متن قرآن آسیب وارد کرده و ضمن قبول این مسئله که فرهنگ حاکم بر هر منطقه سبب فهم معانی نهفته در زبان می‌شود، اما به نظر می‌رسد ایزوتسو سهم فرهنگ را بسیار گسترده دیده، در حالی که قرآن حاصل فرهنگ بومی عرب نیست.

پی‌نوشت‌ها

[۱] در مورد تفاوت روش علامه رحمته‌الله و ایزوتسو تحقیق منسجمی صورت نگرفته اما بهره‌مندی علامه از روایات و استفاده تفسیری ایشان از سیاق، برخلاف ایزوتسو چشمگیر است. ضمن اینکه علامه به دلیل وارد شدن به بحث با پیش فرض‌های کلامی و فلسفی موفق نشد در تمام زوایا به روش تفسیر قرآن به قرآن پایبند بماند.

[۲] «ذن» واژه‌ای ژاپنی است که در زبان چینی به معنای «متعالی و مطلق» و در زبان یونانی به معنای «نشانه و نماد» است. مفهوم و فلسفه ذن آگاهی و بیداری فردی است که بر فلسفه، شعر، نقاشی و موسیقی فرهنگ چین تأثیر نهاده است.

منابع

۱. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱ ش.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۸ ش.
۳. آندره مارتینه، مبانی زبان شناسی عمومی، ترجمه هرمز میلانین، بی‌جا: هرمس، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۴. پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کورش صفوی، نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ ش.
۵. جمعی نویسندگان، زندگی‌نامه و خدمات علمی فرهنگی توشی هیکو ایزوتسو، ش ۱۷، سلسه انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
۶. ربیعی، مسعود، معرفی چند اثر برجسته مستشرقان. مجله بینات، سال ۸، شماره ۳۰، ۱۳۸۰ ش.
۷. رضایی اصفهانی، محمد، منطق تفسیر قرآن، قم: انتشارات المصطفی، ۱۳۸۹ ش.
۸. شریفی، علی، نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم. مجله حکمت معاصر، سال ۴، شماره ۳، ۱۳۹۲ ش.
۹. صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، چاپ سوم، بی‌جا: سوره مهر، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. قائمی‌نیا، علیرضا، بیولوژی نص، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. قائمی‌نیا، علیرضا، دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، مجله قرآن و علم، ش ۱، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. محقق، مهدی، ایزوتسو هم رفت، مجله تحقیقات اسلامی، سال ۷، شماره ۱، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. محقق، مهدی، ایزوتسو حوزه نرفته فلسفه را خوب می‌دانست. مجله گلستان مهر، ش ۲۹، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. حامد ابوزید، نصر، معنای متن، پژوهشی در علوم قرآن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، بی‌جا: طرح نو، ۱۳۸۰ ش.